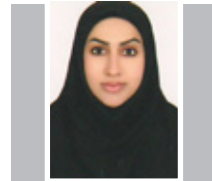
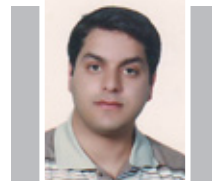


گزارش بوم کلبه روستای ده سیف شهداد



مونا کتعمانیان



محمد مهدی انجم شعاع

وقتی فقر حقوق نیمی از افراد کره زمین را نقض میکند اکثر ما حتی نگاهی به آن نمی اندازیم و زندگی خود را ادامه میدهیم.

به همین دلیل فقر مهمترین تهدید برای صلح است، حتی خطرناکتر از ترور یسم، نفرت های قومی و دینی، رقابتهای سیاسی و هر فاکتور دیگری که تهدیدی برای صلح شمرده می شود. فقر منجر به ناامیدی شده و باعث میشود مردم دست به اعمال دور از انتظار بزنند. آنهایی که هیچ چیز ندارند، دلیلی برای دوری کردن از خشونت به این امید که شاید اندکی شرایطشان بهبود یابد، نمی بینند. فقر، پناهنده های اقتصادی نیز تولید می کند که میتوانند به برخورد بین جمعیت های مختلف بیانجامد و سرانجام منجر به برخورد بین قبایل، اقوام و ملت ها برای به دست آوردن منابع آب، زمین حاصلخیز، ذخایر انرژی و هر کالای قابل فروش شود. کشورهای ثروتمندی که با هم تجارت دارند و روی رشد اقتصادی تمرکز می کنند به ندرت با هم وارد جنگ می شوند، اما ملت هایی که مردمش به دلیل فقر خشن و بیرحم شده اند بیمی از جنگ ندارند. مشکلات فقر جهانی در طی سال ها کاملا هم نادیده انگاشته نشده اند. در آغاز هزاره جدید، دنیا آنها را مورد توجه قرار داد. در سال ۲۰۰۰، رهبران جهان در سازمان ملل جمع شدند تا برای کاهش نیمی از فقر جهانی تا ۲۰۱۵ برنامه ریزی کنند. اما امروز که در آستانه این تاریخ هستیم، نتایج ناامید کننده است و بیشتر شاهدان فکر می کنند که اهداف تعیین شده در سال ۲۰۰۰ قابل دسترسی نیست. کجای کار اشتباه است؟ در دنیایی که ایدئولوژی بازار آزاد هیچ رقیب سرسختی ندارد، چرا بازار آزاد باعث شکست عده بسیاری شده است؟ چرا در حالی که برخی ملت ها به سوی ثروت بیشتر پیش می روند، بخش بزرگی از جهان عقب مانده است؟

پاسخ بسیار ساده است. بازارهای نامحدود امروز به شکل فعلی شان، برای حل مشکلات اجتماعی طراحی نشده اند و برعکس، ممکن است حتی مشکلاتی مثل فقر، بیماری، آلودگی، فساد، جرم و نابرابری را افزایش دهد. ایده جهانی شدن بسیار جذاب است چون در آن بازارهای آزاد فرای مرزهای ملی خود می روند و تجارت بین الملل و جریان سرمایه بین کشورها را ممکن می سازند و دولت ها با حمایت از شرکت های بین المللی قوانین مالی و مالیاتی را تنظیم می کنند. جهانی شدن به عنوان یک اصل تجاری میتواند منافع بسیاری برای فقرا داشته باشد، اما بدون نظارت و خط مشی مناسب، جهانی شدن این توانایی را دارد که بسیار مخرب باشد.

تجارت جهانی یک آزاد راه بزرگ است با هزاران خط که از تمام دنیا می گذرد. اگر هیچ چراغ راهنمایی و محدودیتی برای سرعت وجود نداشته باشد و محدودیتی برای اندازه ماشین ها و نشانگر خطها موجود نباشد، تمام آزاد راه با کامیون های بزرگ اقتصادهای بزرگ جهانی پر می شود و خودروهای کوچک مانند -وانت باری یک مزرعه دار و یا کالسهک های کوچک همگی از آزاد راه خارج خواهند شد. برای اینکه جهانی شدنی بُرد داشته باشیم، باید قوانین رفت و آمد عادلانه وضع کنیم و ناظر و علائم راهنمایی عادلانه داشته باشیم و به آن متعهد شویم. قانونی

پانزده سال پیش، وقتی کارم را برای حل مشکلی خرد در روستایی کوچک آغاز کردم، با دیدن سختی هایی که مردم برای کسب درآمد با آن مواجه بودند شوکه شده بودم، اما بعداً سادگی راه حل نیز ما را شگفت زده کرد.

با آنها نشستیم و روزها و ساعت ها صحبت کردم. مشکلات و آنچه توان انجامش را داشتند فهرست کردیم و اولین کار را انتخاب کردند. این راه حل جواب داد و باعث شد به فکر توانمندسازی جامعه محلی برای راه انداختن کسب و کارهای کوچک بیافتم. چون اعتقاد دارم که آنها بسیار تلاش کرده و زحمت می کشند اما به لحاظ مختصات تاریخی و جغرافیایی در نقطه ای از زنجیره ارزش واقفند که مزد اندکی را در ازای تمام تلاششان دریافت

می کنند و این منجر به گرفتار شدنشان در تله باطل فقر و از دست رفتن اعتماد به نفس ایشان شده و خلاقیت و نوآوری شان را می کشد. نسل بعد به والدین خود نگاه می کنند و یک عمر رنج بدون بهره را می بینند و تصمیم می گیرند که روستا را به سوی آینده ای بهتر در شهر ترک کنند.

در آن زمان پروژه های مختلف فقر زدایی در کشور تنها از طریق اعطای اعتبار و آن هم اعتبار خرد انجام می شد؛ اما به اعتقاد من فقرا در حوزه های بسیاری نیاز به کمک دارند که مهمترینش احیای اعتماد به نفس، اعتبار و احترام ایشان به عنوان عضوی از جامعه است. در نتیجه من سعی کردم راهکارها و استراتژی های جدیدی را در حوزه های مختلفی چون اطلاعات و آگاهی رسانی، خدمات درمانی، مدیریت منابع آبی، کشاورزی، شیلات و دام، آموزش، بازاریابی و انرژی های نو برای کمک به فقرا آزمایش کنم. مشاهداتم به من نشان داد که چگونه می توان مفهوم کسب و کار را به سادگی اصلاح کرد: باید انتظار سرمایه گذار در مورد این که با سرمایه گذاری خود حداکثر سود مالی کسب کند را به کسب سود عادلانه تغییر داد. من باور دارم که کسب و کار اجتماعی می تواند تلاش برای فقر زدایی را تا سطح جدیدی بالا ببرد. کسب و کار اجتماعی می تواند الگویی برای بخش خصوصی و دولتی، خیرین، سازمان های غیردولتی، گروه های مذهبی و غیره باشد. ایده کسب و کار اجتماعی از زوایای مختلفی می تواند بررسی شود. مثلاً این که چگونه می توان مشکل فقر، کم آبی، گرم شدن کره زمین و یا مشکل دسترسی نامتعادل به فناوری و دنیای دیجیتال را از طریق کسب و کار اجتماعی حل کرد.

فقر نه تنها زندگی مردم را ناراحت میکند بلکه آنها را در معرض خطرهای جانی نیز قرار میدهد. در واقع فقر بیش از هر چیز حقوق بشر را انکار میکند چرا که مردم را از کوچکترین کنترل روی زندگیشان محروم می سازد. اگر حق آزادی بیان یا عقیده در یک کشور نقض شود، اعتراضات بین المللی را در پی خواهد داشت، حال

